



وزارت
آموزش و پرورش
در دولت سیزدهم

باید ها و فرصت ها
در حوزه زنان و دختران

گامی در مسیر تحقق تحول بنیادین آموزش و پرورش
در طلیعه گام دوم انقلاب اسلامی



جبهه تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی
اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰





وزارت آموزش و پرورش در دولت سیزدهم

باید ها و فرصت ها
در حوزه زنان و دختران

گامی در مسیر تحقق تحول بنیادین آموزش و پرورش
در طلیعه گام دوم انقلاب اسلامی



مقدمه

« مسئله ی زن در دنیای امروز و ازجمله در کشور ما، یکی از مسائلی است که به جهات مختلف همچنان درخور پیگیری و تأمل و کار و فکر است. اولاً نیمی از جمعیت کشورها زنان هستند؛ چگونه می توان به شکل سالمی از این امکان و استعداد عظیم به نفع هر کشوری، ازجمله کشور ما استفاده کرد؟ ثانیاً مسئله ی جنسیت که یکی از حسّاسترین و ظریف ترین مسائل آفرینش است، چگونه میتواند در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد، نه در خدمت انحطاط بشر و انحطاط اخلاقی؟ ثالثاً به خاطر تفاوت های طبیعی ای که بین جنس زن و جنس مرد وجود دارد، چگونه می توان - چه در محیط اجتماعی، چه در محیط خانواده - رفتاری را نهادینه کرد و غیرقابل اجتناب کرد که به زن ظلم نشود؟ این ها مسائل خیلی مهمی است. اگر ما همین دو سه مسئله را محور فکر و تأمل و بحث و کار قرار بدهیم، یک مجموعه ی تلاش و کار مطالعاتی و تحقیقی و عملی را به دنبال خود خواهد آورد. »

بیانات رهبری در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور ۹۳/۰۱/۳۰

در مسیر تعالی دختران می بایست به الگوهای تربیتی اسلامی دختران و مسیر فعالیتی حوزه زنان توجه نمود. در این راستا بر آن شدیم در گام اول با دریافت نظرات بانوان فعال در عرصه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش، توجه ویژه ای به عرصه دختران در وزارت آموزش و پرورش نماییم. بعضی از نکات ایشان اختصاص به دختران دارد و بعضی دیگر مشترک است که دریچه نگاه بانوان به آن می نگرد. امید که این محتوا، بتواند گامی را در مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش در تربیت و تعالی دختران بردارد.

صاحب نظران

این مکتوب ، حاوی نقطه نظرات بانوان فعال تربیتی به شرح زیر می باشد:

۱. مهرناز خسروی ، مدیر مرکز بانوان سازمان فضای مجازی سراج
۲. فاطمه صدر ، صاحب نظر حوزه تعلیم و تربیت
۳. خانم حبیبی والا ، مسئول بخش دختران طرح شهید بهنام محمدی
۴. زهرا کیاپاشا ، معلم نمونه کشوری و فعال در عرصه تربیت دختران
۵. خانم حیدرزاده ، معاون فرهنگی مجتمع آموزشی فائزون
۶. معصومه نعمتی ، معاون امور بانوان سازمان مدارس صدرا
۷. لیلا محمدزاده ، کارشناس آموزش ابتدایی سازمان مدارس صدرا

حوزه وزارت آموزش و پرورش

۱. در وزارت آموزش و پرورش به جز مشاور امور بانوان، نقش جدی وزارت برای بانوان وجود ندارد. حتی معاونت بانوان وجود ندارد.
۲. با توجه به اینکه ۶۰ درصد از نیروهای آموزش و پرورش بانوان هستند، نقش جدی و اثرگذار اداره کل بانوان برای خدمت رسانی به این جامعه هدف محسوس نمی باشد.
۳. برخی پست ها در حوزه وزارت، باید براساس ویژگی های جنسیتی و استعدادها به بانوان تعلق گیرد که در اختیار ایشان قرار گرفته نشده است.
- سازمان تعلیم و تربیت کودک (تربیت و سرپرستی زیر ۷ سال، حتی به لحاظ قانون حضانت بعهده زنان می باشد).
- معاونت آموزش ابتدایی (خانم رضوانه حکیم به لحاظ توانایی شغلی در این سمت قرار گرفته یا نسبت به اینکه متولی این بخش باید از بانوان باشد احراز این شغل شده اند؟)
- کانون پرورش فکری (با توجه به خلاقیت ها و ظرافت های زنانه، جریان سازی و سیاست گذاری های این حوزه متناسب با جنس زن می باشند).
۴. بعلت نبود معاونت بانوان در آموزش و پرورش، در تمام جلسات کارگروه های تخصصی استانی، وزارت آموزش و پرورش مسئول امور بانوان ندارد. در هر جلسه یک نفر بانوی کادر آموزش و پرورش معرفی شده و در جلسات فقط شرکت کننده است. چون نه مسئولیتی در این

بخش دارد و نه مسئولی برای این بخش وجود داشته، که پیگیری و انسجامی در خصوص انجام برنامه های فرهنگی استان در آموزش و پرورش وجود ندارد.

۵. زیاد بودن مدت زمان تحصیلی دانش آموزان و فرسایشی بودن محتوای آموزشی در آموزش و پرورش سبب شده تا خروجی ها کیفیت لازم را از هر نظر نداشته باشند. علاوه بر تغییر ساختاری محتوای آموزشی، نیاز به تغییر محتوایی وجود دارد. خروجی ها باید براساس مبانی اسلامی، فرهنگ و براساس روانشناسی تربیتی مورد بررسی قرار گیرند و این ساز و کار بر اساس نگرش دولت ها و تغییر در ساختار و برنامه دولت ها نباید دستخوش تغییر یا حذف گردند.

۶. سیستم بخش نامه ها در آموزش و پرورش باعث حذف خلاقیت از مدیران شده است. حجم بالای کارهای خواسته شده و به دور از تلاش برای خود به حرکت در آمدن مدیران مدارس و نگاه گزارش محور، اثر گذاری تربیتی را از مدارس حذف نموده و در بسیاری موارد باعث کاهش خلاقیت مدیران مدارس شده است.

۷. هم سو نبودن مدیران استانی آموزش و پرورش و مدیران رده میانی با آموزه های دینی و تربیتی، یکی از معضلات تحقق آرمان های تعلیم و تربیت در کشور شده است. به دلیل ارتباط نزدیک مدیران مناطق با مدیران مدارس و شناخت کامل ایشان از شرایط محیطی، اثر جدی در پیگیری اهداف تربیتی خواهد داشت.

۸. سیستم مدیریت در آموزش و پرورش براساس مقاطع تحصیلی سیاستگذاری می شود، نگاه جنسیتی بر جامعه مخاطبان آن حاکم نمی باشد. شرایط فعالیت، توزیع، توانمندسازی و ضمن خدمت معلمان خانم با آقا تفاوت ویژه ای ناظر به هویت جنسی افراد ندارد.

۹. بازنگری نسبت به قوانین آموزش و پرورش در حوزه مدارس دخترانه باید صورت گیرد. حد و مرزی که آرامش خاطر را در مدارس ایجاد نموده و موجب رشد و بالندگی دختران در محیط تحصیلی شود باید فراهم گردد. (حضور بازرسان آقا در امتحانات نهایی مدارس دخترانه و یا حضور سرایدار آقا/ نامحرم در ساعات مدرسه)

توانمندسازی بانوان آموزش و پرورشی

۱. کار جدی برای توانمندسازی بانوان در آموزش پرورش صورت نگرفته است. ضمن خدمت ها و دوره های توانمندسازی با رویکرد بهبود روش تدریس هستند تا توسعه و رشد فردی. فرهنگیان باید در کنار آموزش های درسی، نسبت به توانمندسازی در حوزه های رشد فکری بانوان، فعالیت بانوان در مدارس دخترانه و مخاطب دختر و همچنین خانواده تجهیز شوند.

۲. نبود نگاه درست به دانش آموز و تصور نادان بودن وی سبب شده تا ساختار تعلیم و تربیت به شیوه نادرستی طرح ریزی شود. در نگاه رشد و تعالی، دانش آموز به عنوان فرصت دیده شده و معلمان و کادر مدارس باید در کنار دانش آموزان مسیر رشد و تعالی را هم زمان طی کرده و رشد کنند و هرکدام باید بیاموزند با ایجاد هدف و انگیزه به دنبال بهترین سازی از وجود خودشان باشند.

گزینش در آموزش و پرورش

گزینش در آموزش و پرورش دارای چهار چوب و یا اصول درستی نمی‌باشد. گاهی حتی در سطحی ترین شکل و با دیدن عکس متقاضیان صورت می‌گیرد که این گزینش سلیقه‌ای و به عدم جذب نیروهای کارآمد و انقلابی منجر شده و محیطی برای رشد افرادی که با اهداف انقلاب هم سو نبوده و نگاه مادی و شغلی دارند شده است.

دانشگاه فرهنگیان

۱. در دانشگاه فرهنگیان برای دانشجو معلم های زن، هیچ کار ویژه ای با نگاه به هویت جنسی ایشان و جامعه مخاطب انجام نشده تا منجر به رشد فردی و رشد دانش آموزان دختر گردد.

۲. در آموزش های دانشگاه فرهنگیان، روش ها و متدهای آموزشی ناظر به تربیت و تعالی دختران تدوین نشده. اگر دانشگاه اصلاح شود، آینده سیستم آموزشی کشور اصلاح می شود.

۳. تعداد کم ورودی های سالانه به دانشگاه فرهنگیان، از جهت اینکه به شدت از لحاظ مسائل بودجه ای و مالی دست به گریبان بوده و ساختارهای فرسوده ای دارند، باعث شده تا نتوان بر دیدگاه های دیگری مانند، تربیت جنسیت محور و رسیدگی به امور بانوان و دختران پرداخت.

ساختار و معماری مدارس دخترانه

۱. طراحی و ساخت فضاهای تربیتی متناسب با نیازهای دخترانه نیست و استانداردهای مدرسه سازی ناظر به ویژگی های هویتی و جنسی دختران نمی باشد. الزامات رفاهی ویژه دختران در عین در نظر گرفتن فرهنگ ایمانی در محیط فراهم نشده اند. تهویه، نور مدارس دخترانه^۱، اشراف به ساختمان های مجاور^۲، حتی زیبایی شناسی محیط تربیتی با توجه به ظرافت های دخترانه دیده نشده است.^۳

۲. معماری مدارس دخترانه باید به ظرافت های روحی زنانه نزدیکتر بوده و هنر و رنگ در آن نقش آفرینی جدی تری داشته باشند، تا بستر زیست دخترانه را برای دانش آموزان دختران فراهم آورد و بر مبنای بوم هر استان، باید پروتکل هایی لحاظ شده و مدارس دخترانه برآن مبنا ساخته و یا بازسازی شوند.

۳. معماری مدارس دختران باید به گونه ای باشد که تا حد امکان عفاف و حجاب را خود معماری تأمین نموده و دختران مجبور نباشند در مدرسه با پوشش بیرونی حاضر شوند؛ حتی بتوانند تبرج و جلوه گری که در ذات زن هست را در مدرسه به بروز و ظهور برسانند و بدون یکسان انگاری با فضای بیرون از مدرسه، بتوانند هیجانات دخترانه خود را در داخل مدرسه بروز دهند.

۱. ۷۶ درصد دختران ایرانی از کمبود ویتامین D رنج می برند و قرار است این دختران مادران آینده مان باشند. کمبود کلسیم و ویتامین D برای بدن موجب می شود دختران در معرض ابتلا به پوکی استخوان قرار گیرند. نور آفتاب در تأمین ویتامین D اهمیت فراوانی دارد بنابراین مناسب سازی مدارس اهمیت زیادی دارد.

۲. فضاهای محرم یکی از ویژگی هایی است که خاص دانش آموزان دختر بوده و تاثیر به سزایی در آزادی رفتارهای آنها دارد. حذف اشراف، ایجاد محرمیت فضایی و کنترل دید، شرایط مناسبی را برای رشد و تحول اخلاقی، اجتماعی، شناختی و جسمانی دختران حاصل می نماید و به آنها امکان می دهد که در فضای خصوصی مدرسه، دور از دید نامحرم، آزادانه فعالیت نمایند.

۳. سازمان مدارس صدرا اقدام به تهیه چند نمونه معماری مدارس دخترانه اسلامی نموده است..

نظام تعلیم و تربیت متناسب با هویت دختران

۱. نظام تعلیم و تربیت طوری سیاستگذاری شده است که هویت زنانه و دخترانه را در وجود مدارس و کادر بانوان آموزش و پرورش تبیین نمی کند و روش آموزش دختران همانند پسران می باشد و اقتضائات هویت جنسی در برنامه های آموزشی در نظر گرفته نشده است.
۲. طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف پذیر و متناسب با ویژگی های هویتی و استعداد های دختران نبود و توجهی نسبت به مسئله جنسیت ندارد. در حالیکه نظام تعلیم و تربیت باید براساس نقش های دختران و پسران طرح ریزی شود.
۳. طبقه بندی و متناسب سازی آموزش ها باید بر مبنای رشد و ویژگی های جنسیتی دختران صورت گیرد. محتوای یکسان، در بزرگسالی گرایشات یکسان به وجود می آورند که ناظر به هویت زن و جنس زن نمی باشد.
۴. برخورداری از فرصت های تعلیم و تربیت برابر و با کیفیت مناسب در مناطق مختلف کشور وجود ندارد. با توجه به عدم دسترسی آسان به مدرسه در برخی نقاط محروم کشور و یا تفاوت فرهنگ ها و نگرش ها در تحصیل دختران، سبب شده تا برخی از دختران از تحصیل محروم شده که باید ساز و کار ویژه ای برای آموزش به ایشان طرح ریزی شود.

دفتر همکاری های حوزه و آموزش و پرورش

۱. با توجه به اینکه دفتر همکاری های حوزه و آموزش و پرورش وجود دارد، اما از ظرفیت حوزه های علمیه و نقش الگویی معلمان و اصلاح روش های تربیت صحیح دینی بهره گیری و استفاده نشده است. بانوان طلبه خدمت های اثرگذاری به نظام آموزش و پرورش کشور می توانند ارائه نمایند که از ظرفیت جدی ایشان استفاده لازم نشده است.

۲. استفاده و بهره گیری از حضور مبلغین در مدارس و مشاورین دینی و مذهبی، می تواند نیازهای جدی دانش آموزان را در عرصه های تربیتی، پرورشی و دینی پاسخگو باشد.

برنامه ریزی درسی

۱. حجم دروس و محتوای کتب درسی متناسب با استعدادهای دختران نمی باشد. دختران بیشتر به مباحث خلاقیتی و مهارتی علاقه مند هستند، بر مبنای این توانایی ها باید تولید محتوا صورت بگیرد تا منجر به شکوفایی استعدادهای ذاتی ایشان گردد.

۲. برنامه ریزی درسی نگاهی به تفاوت جنسیت و مسئله بلوغ دختران ندارد. حجم دروس در متوسطه اول و دوم افزایش چشمگیر دارد. حجم کتب درسی و آموزشی بر اساس شرایط جسمی و روحی دختران تدوین نشده که منجر به مشکلات روحی و جسمی در ایشان می شود.

۵. خدمات مشاوره ای و تربیتی ویژه ای متناسب با سن و شرایط دختران ارائه نمی شود که این خود درصد جدی آسیب های اجتماعی مربوط به حوزه دانش آموزان دختر را بالا می برد.

نظام آموزشی و بالا بردن سن ازدواج دختران

اگر بر اساس نظام آموزشی کشور، دیپلم و سواد تحصیلی دانش آموزان را دوازده سال (از مقطع ابتدایی اول) در نظر بگیریم، ناخودآگاه با تعیین دوازده سال برای تحصیل دانش آموزان در شرایط فعلی جامعه و با توجه به انگاره ها و کلیشه های ذهنی خانواده ها، عملاً سن ازدواج را به تأخیر می افتد.

در نظام آموزشی کشور نیز آموزش های مربوط به نقش های آینده دختران به درستی در برنامه درسی سال های تحصیلی پرداخته نشده و همین امر منجر به عدم تربیت درست و بهنگام دانش آموزان دختر شده و دختران توانایی لازم را برای پذیرش مسئولیت های جدید پیدا نمی کنند؛ پس از ۱۸ سالگی دختران تازه باید آموزه های مربوط به نقش های آتی خود را در قالب همسری یا مادری در بستر جامعه فرا گیرند که در نتیجه با تأخیر در سن ازدواج مواجه می شوند.

الگوی تربیتی ویژه دختران

الگوی تربیتی و تعلیم دختران، نسبت به هویت ایرانی و اسلامی ایشان طرح ریزی و اجرا نشده است. الگویی متناسب با ساحات انسانی و براساس سیره حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) که الگوی تعالی دختران محسوب می شوند، بصورت برنامه عملی تدوین نشده و نظام تربیتی دختران کشور بر این اساس طرح ریزی نشده است.

با توجه به وجود منابع دینی مستحکم و دقیق در خصوص تربیت دختران در اسلام وجود دارد، اما تاکنون نسبت به صدور الگوها و طرح های تعالی دختران به عرصه بین الملل اقدام جدی صورت گرفته نشده است. با توجه به وجود الگوی تربیتی دختران در اسلام، نگاه ایرانی اسلامی به کشورهای اسلامی که مطالبه چنین دیدگاهی را دارند، صادر نشده است.

نشاط دختران

۱. در بحث نشاط دانش آموزان دختر، توجه ویژه ای به تأمین این نیاز دینی و فطری دختران نشده است. برنامه های نظام تعلیم و تربیت، نشاط مشروع دختران را مورد توجه قرار نداده است. دختران در قالب نقش های فعلی خود (دختری و خواهری) و نقش های آتی خود (همسری و مادری) عناصر اساسی نشاط آفرین خانواده و جامعه هستند.

۲. همچنین مسئله نشاط دخترانه در قالب جشن دخترانه، کنسرت، آهنگ و رقص و پایکوبی دانسته نمی شود، در صورتیکه در قالب های مختلف که با فرهنگ و هویت جنس زن سازگار است می توان بحث نشار دختران را محقق نمود.

۳. یکی از بسترهای مهم تعلیم و تربیت اردو می باشد. بستری که تمام شرایط برای تربیت عملی دانش آموزان را فراهم می آورد. در این حیطه از برنامه ریزی نیز آموزش و پرورش بدون در نظر گرفتن تفاوت های فردی دختران و پسران، مکان ها و برنامه های مشترکی را طرح ریزی نموده، و با توجه به اسلامی بودن جامعه شرایط دختران مود توجه واقع نشده تا بتواند زمینه ساز و مشوق عفاف و حجاب و ایجاد فضایی برای رشد و شکوفایی دختران باشد.

ورزش دختران

۱. زنگ تربیت بدنی بستر مناسبی برای تربیت دانش آموزان به دلیل درگیر سازی آنان با مسایل تربیتی می باشد. محتوای تربیت بدنی محدود و یکسان بین دختر و پسر (مثل فوتسال، والیبال، هندبال و...) باعث شده روحیات مخالف جنسیت در برخی از افراد شکل گرفته و نیازهای جسمی مربوط به جنس زن را محقق ننماید.

۲. توجه به سرمایه های جسمی دختران و برنامه متناسب با ویژگی ها و روحیات ایشان در نظام تربیت بدنی کشور نشود است. برنامه ریزی منظمی متناسب با مقاطع تحصیلی، تقویت بنیه جسمی دختران براساس سن و توجه ویژه به دوران بلوغ و مسائل جسمی این دختران در ایام خاص صورت نگرفته است. دانش آموزان دختر، مادران فردای این سرزمین هستند که باید برنامه ریزی ها دقیق تری برای تقویت جسمی ایشان در آموزش و پرورش صورت گیرد.

۳. پیرو بیانات مقام معظم رهبری در خصوص تحصیل، تهذیب، ورزش، نیاز به تقویت و توسعه ورزش برای دانش آموزان بصورت ویژه و جدی وجود دارد. زنگ های ورزش مغفول مانده و به حاشیه برنامه درسی و پرورشی دانش آموزان کشیده شده است. عدم توزیع درست امکانات و بعضا نبود مربی و یا لوازم مناسب برای بهره گیری از این ساعت آموزشی، منجر شده که رقبتی در مخاطبان خصوصا شهرستانی وجود نداشته باشد.

۴. حیات مدارس به لحاظ معماری به مجتمع های مسکونی و خارج از مدرسه دید داشته و نبود فضای امن و راحت، شادابی برای دانش آموزان ایجاد نکرده و اکثرا زنگ های ورزش کسل کننده هستند.

مهارت ورزشی دختران

۱. با توجه به استعدادها و روحیه دختران، تربیت هنری و مهارتی مورد توجه نبوده و در برنامه درسی مدارس جایگاه مناسبی ندارد؛ بعضاً به حاشیه نظام آموزشی رانده شده و مغفول مانده است.
۲. برنامه های پرورشی و هنری مدارس دخترانه، بصورت قابل قبول مهارتی نبوده و استعدادها و ظرافت های زنانه را در دختران تقویت نمی نماید. دختران تمایل به فعالیت های دست ورزی و هنری دارند.
۳. برنامه های مدارس دخترانه، خوداتکایی و مهارت ورزی را در دوران تحصیل دختران پیگیری نمی نمایند. در صورتیکه به استناد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، حداقل باید یک مهارت مفید برای تأمین زندگی و اداره خانواده خود در دوران تحصیل را کسب نمایند.
۴. در قسمت تحصیل موانع بسیار زیادی برای پیشرفت تحصیلی مخصوصاً در قسمت فنی و حرفه ای مشاهده می شود که دانش آموزان شور و نشاط لازم را از کسب مهارت در کلاس های مهارتی درک نمی کنند. بعضاً بعلت کمبود معلم، دبیران دروس نظری بر سر کلاس های عملی قرار گرفته و عدم توجه لازم به این دروس، از میزان اهمیت و فایده مهارت ورزی را در دانش آموزان کاسته است.

مرکز رشد دختران

با توجه به دغدغه های تربیتی برای رسیدن به جامعه طراز ایرانی و اسلامی، باید توجه ویژه ای به دختران و زنان داشت. مرکز رشد دختران، ناظر به هویت جنسی و اقتضائات هویتی این جنس، بر اساس سنین مختلف باید راه اندازی شود و سیاستگذاری ها و برنامه ریزی طرح هایی برای رشد و تعالی دختران را عهده دار شود. بر اساس این طرح ها، برنامه های عملیاتی تولید که در بستر مدارس و مهدهای کودک، اهداف را پیگیری و به سرانجام رسانند. همچنین به ثمر رساندن ایده هایی که در عرصه دختران طراحی می شوند، و تلاش برای ایجاد فضای رشد دختران از دیگر اهداف تأسیس مرکز رشد دختران می باشد.

دختران و مسئله کنکور

یکی از مهمترین نکاتی که باید نسبت به مسائل بانوان و مدارس دخترانه اتخاذ شود؛ حذف کنکور می باشد. کنکور، مهمترین عاملی است که باعث می شود کتاب های درسی، جنسیت محور نباشند. چرا که دروس یکسان سازی شده در کنکور جهت ارزشیابی در نظر گرفته می شوند و دختران و پسران باید خودشان را برای آرمان کنکور و ورود به دانشگاه آماده سازند، همین مسئله باعث می شود که برخی از درسها که کاملاً جنسیت محور می باشند و ناظر به زندگی و تربیت آینده دختران هستند از دایره اهمیت و توجه در مدارس، خصوصاً در مقطع متوسطه دوم حذف و کنار گذاشته شوند و به جای آن دروس کنکوری و بخش های آزموننی یکسان سازی شده برخی کتب درسی مورد توجه قرار گرفته شود. زیرا نه سوال کنکور جنسیت محور است و نه خاصیت شیمی و فیزیک و ریاضیات و ... خاصیت ارائه ی جنسیتی دارند.

دختران در عرصه اجتماعی

فعالیت های اجتماعی دختران متناسب با نقش زن در الگوی تعالی دختران به درستی مورد توجه قرار نگرفته است. دختران در عرصه هایی که نیاز به حضور است، با شور، انگیزه و انرژی خارج از وصف در فعالیت ها حضور پیدا می کنند. باید نظام تعلیم و تربیت کشور این رشد را در دختران به وجود آورد که ضمن حضور و مشارکت در امور مربوط به خود و امور اجتماعی، با متانت، وقار و صدایی رسا نظر و عقیده خود را بیان نمایند.

روحیه مشارکت طلبی در دختران

دختران از لحاظ تربیتی به کارهای مشارکتی و تشکیلاتی تمایل بیشتری دارند، چرا که به با ذات زن هماهنگ است و می‌توانند پروژه‌های اشتراکی را به سرانجام رسانند. در ساختار قبلی آموزش و پرورش و گذشته دختران با هم گعده می‌کرده و به صورت محفلی درس می‌خوانند. این امر موجب شده که خیلی بسترهای داخلی مدارس از لحاظ برنامه ریزی درسی و آموزشی برای دختران متفاوت از پسران و به صورت کارهای مشارکتی و تشکیلاتی و جمعی تعریف شده و کمتر فضاها فردگونه باشد. به همین جهت این مسئله که نیمکره راست مغز زنان فعالتر و نیازمند تعامل بیشتر و ارتباطات عاطفی و صحبت کردن با همسن و سالان خود هستند و در فضاهای جمع گونه رشد و در فضای جمعی بروز و ظهور می‌نمایند قابل انکار نیست.

مهدهای کودک

با توجه به اینکه تا کنون سازمان بهزیستی به ظاهر متولی مهدهای کودک بوده ولی در واقع متولیان زیادی داشته سپاه، امور مساجد، شهرداری و همه دست به اقدام و عمل در زمینه کودک زده و نابسامانی عظیمی را در این زمینه ایجاد نمودند که در سال جاری یکی از راهکارهای دولت رساندن کودکان به بستر اصلی و متولی آموزش یعنی آموزش و پرورش و تأسیس سازمان کودک و نوجوانان بود. اما آیا به واقع با قرار دادن کودکان ذیل آموزش و پرورش شبکه مسایل آنها حل شده است؟

علت اصلی ایجاد این نابسامانی حضور مادران به دلایل مختلف در اجتماع و وجود بستری به جهت استفاده اقتصادی و نه صرفاً تربیتی باعث شد تا افراد با ایده ها و افکار مختلف سعی بر ایجاد فضاهای آموزشی متنوعی در این زمینه نمایند. همچنین تمایل شدید خانواده ها به آموزش های مدون در زمینه های مختلف برای کودکان و تبدیل کودکان به دانشمندان کوچک که برخلاف هویت شان است سبب شد تا کلاس های زبان، چرتکه، مفاهیم دینی و قرآنی، ورزش، خلاقیت و بستری باشد برای ایجاد اشتغال و کسب درآمد از حوزه کودکان. نگاه شغل محور در حوزه کودکان نیز باعث شد تا محتواهای متفاوتی در بستر آموزش به کودکان وارد شده و آسیب های جدی در روحیات آنها بزند.

مسئله اصلی ارتباط موثر کودکان با والدین و قرار گرفتن در آغوش پدران و مادران به جهت کسب تجربه و آموزش می باشد که خانه و خانواده اولین محل مواجهه کودک با آن می باشد و اولین نیاز آن، که نیاز به امنیت است را تأمین می نماید باید مورد توجه قرار بگیرد.

اللهم اجعلنا مجدد دينك ومحبي شريعتك

